

بررسی سلامت عمومی در میان دانشجویان مشروطی و غیر مشروطی دانشگاه یاسوج

محمد رضا فیروزی^۱

مقدمه

سلامت روانی یکی از اساسی ترین و مهمترین مفاهیم در روانشناسی است که محققان زیادی به آن توجه کرده اند. هر چند که در این زمینه میان صاحب نظران و متخصصان روانشناسی اتفاق نظر وجود ندارد مثلاً تودور (۱۹۹۶) سلامت روانی را عبارت می داند از ارزیابی نسبی رابطه انسان با خودش، جامعه اش و ارزش هایش، وی هدف از سلامت روان را ارتقای عملکرد اجتماعی و نداشتن علائم افسردگی و اضطراب می داند اما به هر حال بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت، سلامت روان عبارت است از « قابلیت ایجاد روابط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و حل تضادها و تمایلات به شیوه سازنده. بر این اساس کسی از نظر روانی سالم است که از آسایش و راحتی ذهن برخوردار بوده و ویژگی های روانی و رفتاری او باعث ایجاد مشکل برای دیگران و خود فرد نشود و بتواند به طرز مناسب در حوزه های مسئولیت فردی، خانوادگی و اجتماعی خود کارائی داشته باشد. بنابراین تعریف، سلامت روان به عنوان یکی از معیارهای تعیین کننده سلامت عمومی شناخته می شود » (کاپلان و سادوک، ۱۳۸۳). عوامل مختلفی می تواند سلامت روان افراد را تحت تأثیر قرار دهند. دانشجویان که اجزای اصلی دانشگاه را تشکیل می دهند زمانی می توانند در پیشبرد اهداف مورد نظر موفق باشند که از سلامت روانی لازم برخوردار باشند در این زمینه افت تحصیلی یا شکست تحصیلی و یا مشروط شدن از جمله مباحثی است که در محیط های آموزش بویژه در دانشگاه از بیشترین اهمیت برخوردار است. افت تحصیلی و مشروط شدن ضمن شباهت های زیادی که با هم دارند با این حال با یکدیگر متفاوت هستند. منظور از افت تحصیلی، کاهش عملکرد تحصیلی و درسی از سطح رضایت بخش به سطح نامطلوب است (بیابانگرد، ۱۳۸۰). و مشروط شدن یعنی معدل نیمسال تحصیلی دانشجوی کمتر از ۱۲ شود. به طور کلی هر کدام از این دو مفهوم را در نظر بگیریم از لحاظ علل بوجود آورنده ما با دو نوع از آن ها روبرو هستیم که عبارتند از: مشروط شدن یا افت تحصیلی اولیه و مشروط شدن و افت تحصیلی ثانویه.

مشروط شدن یا افت تحصیلی اولیه به حالتی گفته می شود که دانشجو در رابطه با تحصیل و امور مربوط به آن در دانشگاه دچار مشکل می شود، هر چند ممکن است بعد از تجربه شکست دچار مشکلات دیگری هم شده باشد. اما ثانویه به حالتی گفته می شود که دانشجو از نظر تحصیلی مشکل خاصی در شروع و ادامه نداشته، اما به دلیل بروز مشکلات در حوزه های دیگر نظیر خانوادگی، عاطفی، اقتصادی و دچار مشکل تحصیلی شده است. هر کدام از این دو نوع خواه اولیه یا ثانویه دلایل خاص خود را دارند. به هر حال موفقیت در دانشگاه به عنوان نهادی که کارکرد های متعددی در همه شئون تأثیر گذار زندگی انسان دارد دارای پیامدهای فردی و اجتماعی است دست نیافتن به این اهداف نه تنها باعث زیان اقتصادی و اجتماعی می شود بلکه سلامت روانی دانشجویان را به خطر انداخته و موجب مشکلات روانی دانشجویان می شود. تحقیقات متعددی نشان می دهند که شکست تحصیلی، مشروط شدن و یا افت تحصیلی و مشکلات آموزشی منجر به فشارهای روانی در دانشجویان می شود و سلامت روانی آنها را به مخاطره می اندازد از جمله این تحقیقات می توان به هانسلی و همکاران (۱۹۸۲)، آندرسون و کل (۱۹۸۷) اسمیت و همکاران (۱۹۹۰) اشاره کرد. علاوه بر این مکارمی (۱۳۷۴)، تاین (۱۹۹۲)، هاتون و همکاران (۱۹۹۵) در تحقیقات خود نشان دادند که مشکلات آموزشی به عنوان مهمترین مسائل استرس زا در دانشجویان به شمار می رود. رونر استین (۲۰۰۵) هاسکین و روز (۲۰۰۵) به بررسی افت تحصیلی و پیامدهای آن پرداختند و گزارش کردند دانشجویانی که در امور تحصیلی خود دچار مشکل شده اند از سلامت روانی پایین تری برخوردارند.

نتایج تحقیقات نشاط دوست و همکاران (۱۳۷۸) نشان داد که دانشجویان مشروط در مقایسه با دانشجویان غیر مشروط به طور معنی داری از شدت علائم بیشتری در زمینه وسواس، افسردگی، خصومت، اضطراب، فوبیک، روان پریشی و اختلال خوردن برخوردار بودند. کهرآزی و رفیعی پور (۱۳۸۳) در تحقیقی گزارش کردند که دانشجویان مشروط در مقایسه با دانشجویان متوسط و قوی از لحاظ ابعاد مختلف سلامت روان در سطح پایین تری قرار دارند. راس (۱۹۹۹) معتقد است زمانی که فشار و استرس شدید باشد و یا فرد به دلایل مختلفی استرس یا فشار را به صورت منفی درک کند سلامت و عملکرد تحصیلی وی تحت تاثیر قرار می گیرد. در پژوهش مولوی و میر حاک (۱۳۸۲) نشان داده شد که بین سلامت عمومی و میزان واکنش های استرس دانشجویان و نیز بین مشکلات دانشجویان و عملکرد تحصیلی آن ها رابطه معنی داری وجود دارد. در مجموع با توجه به مبانی نظری و تحقیقات انجام شده می توان گفت در صورتی که سلامت عمومی دانشجویان به خطر افتد یا به عبارتی دانشجویان دچار اضطراب شود، از حمایت اجتماعی برخوردار نباشد و یا از افسردگی و مانند این ها رنج برد انگیزه لازم را برای بهبود وضعیت تحصیلی خود یا ارتقای آن از دست خواهد داد که نهایتاً منجر به عدم تلاش و عملکرد تحصیلی ضعیف خواهد شد به نحوی که ادامه این روند پیامدهای نامطلوبی همچون افت تحصیلی، مشروط شدن در دانشگاه و اخراجی را در پی خواهد داشت از سوی دیگر عکس این موضوع صادق خواهد بود به عبارت دیگر مشروط شدن در دانشگاه و یا عدم موفقیت دانشجویان در دوران تحصیل بر تمامی جنبه های شخصیت وی از جمله سلامت روانی تاثیر خواهد گذاشت. به هر حال با توجه به آنچه گذشت این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال بود که آیا میان دانشجویان مشروطی و غیره مشروطی از لحاظ شاخص های مختلف سلامت عمومی و نیز جنس و شاخص های سلامت عمومی تفاوت معناداری وجود دارد؟ برای پاسخگویی به سوالات ذکر شده ۵ فرضیه و یک سوال تحقیقاتی طرح شد: (۱) میان دانشجویان مشروطی و غیر مشروطی دانشگاه یاسوج از لحاظ بعد جسمانی تفاوت معنی داری وجود دارد. (۲) میان دانشجویان مشروطی و غیر مشروطی دانشگاه یاسوج از لحاظ بعد اضطراب تفاوت معنی داری وجود دارد. (۳) میان دانشجویان مشروطی و غیر مشروطی دانشگاه یاسوج از لحاظ بعد اختلال در عمل کرد اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد. (۴) میان دانشجویان مشروطی و غیر مشروطی دانشگاه یاسوج از لحاظ بعد افسردگی تفاوت معنی داری وجود دارد. (۵) میان سلامت عمومی دانشجویان مشروطی و غیر مشروطی دانشگاه یاسوج تفاوت معنی داری وجود دارد. (۶) آیا میان جنس و شاخص های سلامت عمومی یعنی؛ سلامت جسمانی، اضطراب؛ اختلال در عملکرد اجتماعی و افسردگی در بین دانشجویان مشروطی و غیر مشروطی دانشگاه یاسوج تفاوت معنی داری وجود دارد؟

روش

جامعه و نمونه: پژوهش حاضر شامل کلیه ی دانشجویان مشروطی و غیر مشروطی دانشگاه یاسوج بودند که حداقل در سال دوم تحصیل مشغول تحصیل بودند. از جامعه دانشجویان مشروط که مشمول کمسیون موارد خاص می شدند و حداقل دو نیمسال تحصیلی مشروط شده بودند تعداد ۱۲۹ نفر و از دانشجویان عادی تعداد ۱۱۲ نفر از هر چهار دانشکده کشاورزی علوم پایه، فنی و مهندسی و ادبیات و علوم انسانی به شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند به این ترتیب در مجموع ۲۴۱ نفر (۱۲۳ مرد و ۱۱۸ دختر) مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند.

در تحقیق حاضر از پرسش نامه ی سلامت عمومی (GHQ) فرم ۲۸ سؤالی استفاده شد. این پرسشنامه توسط گلد برگ و میلر (۱۹۷۹) طراحی و از چهار خرده آزمون تشکیل شده است. روائی و پایایی آزمون در تحقیقات مختلفی مورد تأیید قرار گرفته است چنانچه سیف و لطیفیان (۱۳۸۱) روائی آنرا بین ۷۱/ تا ۸۴/ برای خرده مقیاس های مزبور ارائه داده اند. بعلاوه پژوهش منتظری و همکاران ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۸۷/ و اعتبار همگرا آنرا با مقیاس کمی کیفیت زندگی ۵۶ = $r < 0/0001$ گزارش کرده اند. با توجه به ماهیت تحقیق پژوهش حاضر توصیفی و از نوع علی مقایسه ای بود. به منظور تجربه و تحلیل داده های مربوط به فرضیه ها و سؤال پژوهش به ترتیب از آزمون t تست و تحلیل واریانس (آزمون F) استفاده گردید. در ضمن تمام محاسبات آماری پژوهش با نرم افزار SPSS انجام گرفت.

یافته ها

به منظور بررسی تفاوت های موجود میان دانشجویان مشروطی و غیر مشروطی (عادی) در نمره کلی سلامت روانی و در خرده مقیاس های اختلالات جسمانی، اضطراب، کارکردهای اجتماعی و افسردگی (فرضیه های ۱ الی ۵) از آزمون t برای گروه های مستقل استفاده شد نتایج این تحلیل در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: مقایسه دانشجویان مشروط و غیر مشروط در مقیاس کل و خرده مقیاس ها

متغیر	گروه ها	M	SD	df	t	P
اختلالات جسمانی	مشروط	۸/۶۶	۵	۲۳۹	۵/۴۶	۰/۰۰۰
	غیر مشروط	۵/۵۹	۳/۴۴			
اضطراب	مشروط	۱۱/۱۸	۴/۸۶	۲۳۹	۹/۲۳	۰/۰۰۰
	غیر مشروط	۵/۶۸	۳/۵۲			
کارکرد اجتماعی	مشروط	۹/۸۷	۴/۱۹	۲۳۹	۵/۶۱	۰/۰۰۰
	غیر مشروط	۷/۳۲	۲/۵۲			
افسردگی	مشروط	۸/۶۰	۶/۱۳	۲۳۹	۸/۹۶	۰/۰۰۰
	غیر مشروط	۲/۸۱	۳/۲۷			
نمره کل	مشروط	۳۸/۳۱	۱۷/۶۲	۲۳۹	۸/۹۵	۰/۰۰۰
	غیر مشروط	۲۱/۴۰	۱۰/۱۱			

همان گونه که در جدول شماره یک مشاهده می شود میانگین نمرات دانشجویان مشروطی در خرده مقیاس های اختلالات جسمانی، اضطراب، کارکرد اجتماعی، افسردگی و در کل پرسشنامه سلامت روانی نسبت به دانشجویان غیر مشروطی بیشتر است و این تفاوت در سطح ۰/۰۱/ معنی دار است. ($P < 0/01$). همچنین به منظور پاسخگویی به این سؤال تحقیق که آیا میان جنس و شاخص های سلامت عمومی در بین دانشجویانی مشروطی و غیر مشروطی تفاوت معنی داری وجود دارد؟ نتایج تحلیل واریانس (آزمون F) نشان داد که میان جنس و سلامت عمومی و خرده مقیاس های آن تفاوت معنی داری وجود ندارد.

بحث و تفسیر

هدف از پژوهش حاضر بررسی تطبیقی دانشجویان مشروطی و غیر مشروطی با توجه به شاخص های سلامت عمومی بود. نتایج به دست آمده نشان می دهد که نه تنها نمره ی کل سلامت روانی دانشجویان مشروط بلکه نمره آن ها در چهار خرده مقیاس اختلالات جسمانی، اضطراب، کارکرد اجتماعی و افسردگی بطور معنی داری بالاتر از نمره دانشجویان غیر مشروطی می باشد. نتایج به دست آمده همسو با حجم وسیعی از تحقیقات داخلی (مکارمی، ۱۳۷۴، نشاط دوست و همکاران، ۱۳۷۸، کهرآزنی و رفیعی پور، ۱۳۸۳، مولوی و میر حکاک، ۱۳۸۳) و خارجی (راس، ۱۹۹۹، رونر استین، ۲۰۰۵ و هاسکین و روز، ۲۰۰۵ و...) است. در توجیه این موضوع می توان به موارد زیادی اشاره کرد که یکی از آن ها درماندگی آموخته شده می باشد. وقتی دانشجوی دچار درماندگی آموخته شده می گردد انگیزه تحصیل خود را از دست می دهد، اینگونه دانشجویان تلاش و کوشش را با پیشرفت تحصیلی خود مرتبط نمی دانند و چنین یاد گرفته اند که رفتار و نتیجه رفتارشان مستقل از یکدیگر است.

افزایش مشکلات روان شناختی چنان که آزاد فلاح (۱۳۸۱) در تحقیق خود « روان شناسی سلامت از چشم انداز روان عصب ایمن شناسی » آنرا تأیید می نماید فرد را مستعد ابتلاء به بیماری های جسمانی می نماید. این گونه موارد در نهایت منجر به افت یا شکست تحصیلی دانشجو می شود. همین کافی است که دانشجو دچار اضطراب و افسردگی شده و یأس و ناامیدی در وی افزایش می یابد به نحوی که دیگر قادر به ادامه تحصیل نیست این سیکل پیوسته ادامه پیدا می کند و در هر مرحله بدتر و بدتر می شود. برای خارج شدن از این سیکل معیوب افزایش حمایت اجتماعی خانواده (پیترز و همکاران، ۲۰۰۲)، طراحی و اجرای آموزش مهارت های تحصیلی، هدایت و راهنمایی تحصیلی به دانشجویان، رفع نارسائی های مربوط به راهبردهای مطالعه و یادگیری به عنوان ابزاری نیرومند در پیشگیری از افت تحصیلی و تأمین سلامت روانی دانشجویان پیشنهاد می گردد. یکی دیگر از نتایج پژوهش حاضر معنی دار نبودن تفاوت بین جنس و سلامت عمومی و خرده مقیاس های آن بود که این نتیجه نیز با تعدادی تحقیقات هماهنگ و همسو است (مثلاً نشاط دوست و همکاران ۱۳۷۸)

منابع

- کهرزانی و همکاران (۱۳۸۳). بررسی وضعیت روان شناختی دانشجویان مشروطی و مقایسه آنان با دانشجویان عادی دانشگاه سیستان و بلوچستان، خلاصه مقالات دومین سمینار بهداشت روانی.
- نشان دوست و همکاران، (۱۳۷۸). مقایسه وضعیت روانی، اجتماعی دانشجویان مشروط و غیر مشروط دانشجویان دانشگاه اصفهان، خلاصه مقالات اولین سمینار بهداشت روانی
- مولوی، حسین میر حکاک، طاهره (۱۳۸۲). رابطه بین سلامت عمومی، مشکلات دانشجویان، میزان استرس و عمل کرد تحصیلی در دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، مجله دانش و پژوهش در روان شناسی، شماره ۱۷.
- Astin , A .(1972). predicting Academic Achievement in college Newyork. Free press.
- Peter franks , Thomas.l.cambell .(2002).Impact of family social support on mental and physical health. British Journal of medical psychology 67. 17 -36.
- Roner,S. Colorossi,l .(2005). Differential effect of support providers on adolescents mental health. Social Work Research , 27 , 19 – 23.
- Ross , S. E .(1999). Sources of Stress among College Studends , College Student Journal.